

مسئولیت جزائی

بقلم آقای دکتر ملک اسمعیلی

بطوریکه در شماره قبل بیان شد در مجموعه قوانین جزائی فرانسه اطفالی که سن آنها کمتر از ۱۶ سال بود در محکمه جنحه محاکمه میگردند و تشریفات محکمه جنائی را برای اطفال مذکور زیاد دیده اند. در قانون مذکور در دو مورد استثناء قائل شده و اطفال در مقابل دادگاه جنائی محاکمه میشدند یکی از آنها در موردیست که طفل کمتر از ۱۶ سال با دیگری که سنش از ۱۶ تجاوز میکرده مرتکب جنایت شده باشد و شرکت یا معاونت در ارتکاب جرم با طفل نموده باشد زیرا تعقیب يك موضوع در دو محکمه و محاکمه يك قسمت در دادگاه جنحه و قسمت دیگر در دادگاه جنائی مورد نداشته و طفل بعلت داشتن شریک یا معاون در مقابل دادگاه جنائی محاکمه میشد.

مورد دیگری که در قانون مزبور پیش بینی شده عبارت بود از وقتی که طفل مرتکب جرمی شده که اگر کبیر بود مجازات حبس دائم با اعمال شاقه و یا اعدام برای او قائل میشدند در این مورد هم در مقابل دادگاه جنائی او را محاکمه می کردند با مراجعه بقانون مجازات عمومی ایران معلوم میشود که رویه قدیم قوانین فرانسه در این مورد که در ۱۸۱۰ معمول بوده در ماده ۳۷ آن حفظ شده است ماده ۳۷ قانون مجازات عمومی ایران بدین نحو تنظیم شده « اشخاص بالغ که سن آنها بیش از پانزده سال تمام بوده ولی به هیجده سال تمام نرسیده اند هرگاه مرتکب جرمی

شدند اگر چه جرم ایشان جنایت باشد در محکمه جنحه محاکمه میشوند مگر آنکه شریک یا معاون آنها بر حسب اقتضای سن باید در محکمه جنائی محاکمه شوند در این صورت هر دو در محکمه جنائی محاکمه خواهند شد « در قانون مذکور برای اشخاص بالغ در دادگاه جنائی از هیئت منصفه موضوع مقصر یا غیر مقصر بودن متهم که سؤال میشود سؤال مزبور متضمن عنصر مادی و عنصر روحی جرم ارتكابی از طرف متهم است و حال آنکه در مورد صغار نسبت به عنصر روحی سؤال علییده میشود و وقتی هیئت منصفه طفل را مقصر تشخیص دادند موضوع ممیز با عدم ممیز بودن طفل (یعنی عنصر روحی) مورد سؤال واقع میشود توضیح آنکه: در دادگاه جنائی بعضی از کشورها مثل فرانسه علاوه بر قضات رسمی که مستخدم دولت بوده و حقوقی از بابت شغل قضاوت دریافت می کنند عده بعنوان هیئت منصفه از روی لیست انتخابات در هر سال تعیین میشوند که در محاکمات جنائی شرکت مینمایند و این هیئت مرکب است از تاجر و پیشه ور عضو اداره و غیره که از بابت شغل خود حقوقی دریافت مینمایند و شرکت در جلسات دادگاه جنائی برای آنها اجباری است و در تمام مدت محاکمه در مقابل متهم نشسته جریان محاکمه را دقت مینمایند و وقتی اظهارات متهم و وکیل مدافع و شهود و مدعی العموم را استماع نمودند رئیس محکمه جنائی از هیئت مزبور سؤال مینماید که از آنچه که در دادگاه شنیده و دیده اید آیا متهمی که در مقابل شما نشسته متهم است یا خیر؟ اگر مقصر است میتوان تخفیفی در مجازات او قائل شد یا خیر؟ و باین دو سؤال باید فقط جواب آری یا نه بدهند و حق هیچگونه سخن یا توضیح دیگری ندارند

با حفظ این مقدمه در باره اطفال بطوریکه در فوق ذکر شد سؤال اضافی هم از هیئت منصفه میشود که آیا طفل متهمی که در مقابل شما نشسته با داشتن قوه ممیزه مرتکب جرم شده یا اینکه فاقد قوه ممیز بوده است و باین سؤال هم هیئت منصفه میبایستی پاسخ بدهند در صورتی که معلوم شد طفل با داشتن قوه ممیزه مرتکب جرم شده است

چون سن او کم و باصطلاح قانون صغیر میباشد علل مخففه بکمک او آمده و قسمت مهمی از مجازات او بخشیده میشود خلاصه تخفیف کلی بعلت صغر سن در مجازات او داده میشود.

برعکس وقتی در مقابل هیئت منصفه یا در دادگاه جنحه ثابت شد که طفل متهم فاقد قوه ممیزه بوده و بالنتیجه مسئول اعمال خود نمی باشد در این صورت متهم تبرئه شده و اگر در زندان باشد بلافاصله آزاد میشود. حال اگر طفل متهم مرتکب جرم خطرناکی شده که اگر کبیر میبود و مرتکب چنین عملی میشد حتماً مجازات شدید میدید و در مقابل هیئت منصفه یا دادگاه جنحه ثابت شد که بدون قوه ممیزه طفل مرتکب چنین عمل خطرناکی شده است پس از تبرئه و آزاد شدن از زندان مؤسساتی بکمک او آمده و او را بکلی رها نمیکنند بلکه در یکی از مراکز مخصوص برای تربیت اطفال او را نگهداری کرده و رفتار و اخلاق را مواظبت نموده و بقدری در تربیت او می کوشند تا در بزرگی چنین طفلی دارای صفات حمیده و مغز او از پلیدیها و زشتیهای اکتسابی بکلی پاک شده و در بزرگی فرد مفیدی برای جامعه شود و یکی از مورد قانون مذکور این موضوع را تصریح کرده و مقرر نموده که بر حسب مقتضیات ممکن است طفل را با اولیاء اش سپرد و یا در یکی از مراکز مخصوص برای تأدیب و تربیت اطفال رفتار و اعمال او را تحت مراقبت قرار داد مدت اقامت و عده سالهائی را که طفل باید در دارالتربیه بماند باختیار قاضی گذاشته شده ولی سالهائی مزبور نباید از بیست سالگی طفل تجاوز نماید و بمحض اینکه طفل بیست ساله شد دیگر در مراکز مزبور نگاهداری نخواهد شد بنابراین حد اکثر سالهائی را که قاضی می تواند در حکم خود تعیین نماید از بیست سالگی طفل تجاوز نخواهد کرد قانون گذار بقاضی محکمه اختیار داده است که یکی از دوراه حل را در نظر گرفته یا تحقیق کامل درباره اولیاء طفل نموده و در صورتی که اعمال و رفتار والدین طرف

اعتماد و وثوق بوده و از جمله پدر و مادری نباشند که خود ریشه فساد را در طفل باعث شده باشند در اینصورت او را با ولیاء تسلیم و از آنها التزام میگیرند که کمال مواظبت در رفتار و اخلاق طفل بنمایند

اما در صورتی که قاضی این اعتماد را با ولیاء طفل نداشته باشد یا اینکه در ضمن تحقیقات ثابت شود که پدر و مادر از نظر مادی و معنوی فاقد شرایط لازم برای نگاهداری و تربیت صحیح طفل میباشند نظر دوم را اتخاذ کرده و طفل را یکی از مؤسسات دولتی (دارالتربیه) خراهد سپرد گاهی هم اتفاق افتاده که بعضی مردمان خیر دردهات یا مراکز زراعتی عهده دار نگاهداری یکی از این قبیل اطفال شده و با کمال علاقه هم از او نگاهداری کرده و علاوه بر پرداخت مخارج لازم برای تربیت و نگاهداری صحیح این اطفال منظور نظر قانون گذار را هم بنحو احسن تأمین نموده اند.